

بررسی عوامل موثر در تخصیص زمان آموزش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی

زهرة حاجیها^۱
حسین رجب‌دُری^۲
علی خلیفه‌شریفی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۲۳

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی عوامل موثر در تخصیص زمان آموزش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی است. مطالعه پیش‌رو از نوع پیمایشی- کاربردی است. بررسی موضوع از طریق پرسشنامه و نمونه‌گیری از ۱۲۶ نفر از مدرسان حسابداری سطح کشور صورت گرفت. برای تحلیل یافته‌ها در قالب ۱ فرضیه اصلی و ۶ فرضیه فرعی از رگرسیون حداقل مربعات معمولی و شیوه مقطعی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل نگرش نسبت به استاندارد گزارشگری بین‌المللی، تعداد اعضای هیئت علمی، تجربه مدرسان و کیفیت منابع آموزشی مورد تایید قرار گرفت، اما تاثیر ساعت تدریس مدرسان و نوع موسسه آموزشی در زمان تخصیص داده شده به آموزش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی مورد تایید قرار نگرفته است. این پژوهش نشان داد که برای افزایش کیفیت و اثربخشی آموزش استانداردهای گزارشگری بین‌المللی باید به موارد موثر در تخصیص زمان بیش از پیش توجه نموده تا با توجه به اهمیت موضوع، کیفیت آموزش این مقوله افزایش یابد.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، مدرسان، حسابداری، آموزش.

۱- دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق، تهران، ایران
۲- دانشجوی دکتری حسابداری و عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول)
Hosrado@gmail.com
۳- کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه حسابداری، شیراز

۱- مقدمه

حسابداری در دنیای امروز به دنبال ایجاد یکپارچگی جهانی در سطحی وسیع در بازارها و سیاست‌گذاری‌ها است. منظور از سیاست‌گذاری‌ها در واقع کاهش هزینه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات است. برای ایجاد این یکپارچگی باید استانداردهای گزارشگری و عملکرد، مد نظر قرار گیرد (بال، ۲۰۰۶). در این زمینه، افزایش تقاضا برای قابلیت مقایسه در گزارشگری مالی، به دلیل افزایش فعالیت‌های تجارت بین‌المللی و مشارکت بیشتر در بازارهای مالی جهانی به وجود آمده است. اگر واحد تجاری سیاست‌های حسابداری سازگار با استانداردهای بین‌المللی را انتخاب کند، قابلیت مقایسه گزارشگری با دیگر شرکت‌هایی که از استانداردهای بین‌المللی استفاده می‌کنند، افزایش می‌یابد (حجازی و همکاران، ۱۳۹۲). در جهت انطباق با رشد و پیشرفت جامعه جهانی، کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی در سال ۱۹۷۳ توسط انجمن‌های حرفه‌ای حسابداری کشور آمریکا، انگلیس، کانادا، استرالیا، ژاپن، فرانسه، آلمان غربی، مکزیک و هلند با هدف تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری تشکیل شد (سجادی و عربی، ۱۳۹۰) که این موضوع می‌تواند به شناخت بهتر و افزایش قابلیت مقایسه کمک کند. آپلیتنر (۲۰۰۵) معتقد است که شناخت متقابل تنها در کشورهایی امکان‌پذیر است که زیر بنای اصول حسابداری مشابهی دارند. در صورت استفاده از استانداردهای یکنواخت گزارشگری مالی، به سادگی می‌توان وضعیت مالی شرکت‌های سراسر دنیا را با هم مقایسه کرد. اگرچه قابلیت مقایسه در استانداردهای ملی هر کشور نیز وجود دارد، اما مقایسه‌پذیری حقیقی نیاز حیاتی بازار، پژوهشگران و سرمایه‌گذاران است که با استفاده از استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی این نیازها تا حدی برطرف می‌شود (استفانو و همکاران، ۲۰۱۰).

هدف این پژوهش، بررسی عوامل موثر در تخصیص زمان آموزش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی از دیدگاه مدرسان حسابداری است. از آنجا که برای افزایش کارایی و بازدهی در هر امر، برنامه-

ریزی ضرورتی غیرقابل انکار دارد، لازم است در راستای گسترش آموزش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی عوامل موثر در بسط و ترویج آن شناسایی شده و مورد توجه قرار گیرد. لازم به ذکر است که با توجه به اهمیت موضوع و عدم ورود پژوهشگران، تاکنون بررسی مشابهی صورت نگرفته که لازم است در محیط کشور مورد آزمون قرار گیرد.

در ادامه نیز ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش مطرح شده و سپس روش پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها و یافته‌های پژوهش آورده شده است. در انتها نیز بحث و نتیجه‌گیری بیان شده است.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی نظری

بونک و اسمیت (۱۹۹۸) در یک بررسی ادعا نمودند که نظام آموزش حسابداری به منظور بالا بردن مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق برای مواجهه با مسایل اقتصاد جهانی در قرن بیست و یکم، نیاز به بازنگری دارد. در عصر پیشرفت‌های سریع، حسابداری ناچار است به روز باشد و منطبق با نیازهای استفاده‌کنندگان رشد یابد تا به عنوان یک خدمت مستهلک شده به حساب نیاید. با رشد روز افزون مبادله‌ها در سطح بین‌المللی، پیچیدگی روابط تجاری و تراکم کسب و کار در فضای رقابت جهانی، هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری مورد توجه قرار گرفته است. این نیاز در جامعه جهانی به گونه کامل درک شده و پژوهش‌های بسیاری در این خصوص انجام شده است (رحمانی و علی‌پور، ۱۳۹۰). یکی از مواردی که نیاز به توجه بیش از پیش دارد، آموزش این موضوع به دانشجویان است. از آنجا که برای پویایی حرفه، وضعیت آموزش و منابع آن نیز باید به روز و کارآمد باشد، لازم است که این مقوله مورد توجه قرار گرفته و با پژوهش‌هایی این مهم روشن‌تر شود. در این پژوهش، با پیروی از الزبان (۲۰۱۶) عوامل موثر در زمان تخصیص داده شده به آموزش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی که شامل نگرش^۱، اندازه^۲،

بار تدریس^۳، نوع دانشگاه^۴، تجربه^۵ و مواد آموزشی^۶ است مورد بررسی قرار گرفت.

از آنجا که انسان در برابر تغییر مقاوم است، نگرش مدرسان می‌تواند باعث ایجاد مقاومت در برابر تغییر در آن‌ها شود (الزبان، ۲۰۱۶). در این زمینه که شیوه جدید استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی نیاز به تغییراتی دارد، این موضوع می‌تواند موثر واقع شود. یافته‌های پژوهش لیبی (۱۹۹۱) نشان داد که کیفیت آموزش با بهبود نگرش مدرسان، بهبود می‌یابد. همچنین، کوهن و همکاران (۱۹۹۱) دریافتند که نگرش مدرسان در آموزش استانداردهای گزارشگری بین‌المللی موثر است. رضایی و همکاران (۲۰۱۰) نیز دریافتند که مدرسان در برابر تغییر برای آموزش استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی مقاوم هستند که ناشی از نگرش آنان است.

از دیگر موارد موثر می‌توان به اندازه موسسه اشاره کرد. موسسه‌های آموزشی کوچک با توجه به محدودیت در امکانات، منابع انسانی و... توانایی‌های کمتری برای برگزاری دوره‌های حسابداری پیشرفته دارند (الزبان، ۲۰۱۶). این مساله در پژوهش گرومر و مورثی (۱۹۹۶) در زمینه آموزش استانداردهای حسابداری نیز وجود دارد. بار تدریس نیز اشاره به ساعت‌های تدریس دارد که هرچه ساعت تدریس بیشتر باشد، دارای بار بیشتر است (الزبان، ۲۰۱۶). همچنین، داو و فلدمن (۱۹۹۷) بیان می‌کنند که کیفیت یادگیری با بار تدریس رابطه دارد. آلوارز و همکاران (۲۰۰۹) نیز دریافتند که محدودیت‌های زمانی مدرسان را از آرایه محتوای اضافی سرفصل‌های درسی باز می‌دارد. نوع موسسه نیز در این زمینه موثر است، زیرا این احتمال وجود دارد که دانشگاه‌های دولتی از امکانات و پشتوانه‌های بیشتری برخوردار باشند (الزبان، ۲۰۱۶).

در رابطه با تجربه نیز قابل بیان است که بر اساس پژوهش استارک و لاتوکا (۱۹۹۷)؛ به نقل از الزبان، ۲۰۱۶) ویژگی‌های فردی مدرسان به عنوان یکی از عوامل مهم برای نفوذ در سرفصل برنامه درسی شناخته شده است، زیرا آن‌ها معتقدند که مدرسان

تولیدکنندگان اصلی برنامه درسی هستند. در حسابداری نیز پژوهش گرومر و مورثی (۱۹۹۶) بیان داشت که ارتباط مستقیمی بین تجربه مدرسان، کیفیت آموزش و پژوهش و محتوای دوره آموزشی وجود دارد.

همچنین، جامعه حرفه‌ای پذیرفته است که تغییر برنامه‌های حسابداری برای آموزش استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی به سادگی ممکن نیست (مونتر و رکارز، ۲۰۰۹). به گونه خاص این مساله به کمبود مدرسان واجد شرایط و به گونه عام به کمبود منابع درسی و ناشران مرتبط بر می‌شود (مونتر و رکارز، ۲۰۰۹؛ ژو و همکاران، ۲۰۱۱). این مساله توسط کرول (۲۰۰۹) نیز بررسی شده است.

۲-۲- پیشینه پژوهش

در زمینه استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی و آموزش حسابداری پژوهش‌های داخلی و خارجی فراوانی نیز صورت گرفته است. برای نمونه، در ایران فروغی و اشرفی (۱۳۸۸) در پژوهشی نقاط مثبت استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی را در سه طبقه کلی افزایش قابلیت مقایسه، ارتقای کیفیت گزارشگری مالی و صرفه‌جویی در زمان و هزینه، مورد بررسی قرار دادند. رحمانی و علی‌پور (۱۳۹۰) نیز دریافتند که جامعه حسابداری ایران در مورد پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری موافق است و مهم‌ترین مزیت این هماهنگ‌سازی از دیدگاه پاسخ-دهندگان، امکان انتقال سرمایه در سطح بین‌المللی است. در پژوهشی دیگر، باغومیان و رحیمی‌باغی (۱۳۹۱) دریافتند که تسلط ناکافی استادان و دانشجویان رشته حسابداری به زبان انگلیسی و فناوری اطلاعات، مهم‌ترین عاملی بوده که به عنوان مانع پیشرفت آموزش حسابداری در ایران به شمار آمده است. حجازی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی دریافتند که بر اساس اظهارنظر دانشگاهیان، حساب‌برسان و حسابداران، پذیرش استانداردهای حسابداری بین‌المللی بر محیط ایران اثر اقتصادی دارد. افزون بر آن، میان اظهارنظر پاسخگویان تفاوت

معناداری وجود ندارد. آقاسی (۱۳۹۴) در پژوهشی با هدف بررسی موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از سوی سازمان امور مالیاتی، دریافت که فقدان زیرساخت‌های اقتصادی توسعه در رتبه اول موانع پذیرش قرار دارد. ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۵) پیامدهای مثبت پذیرش استانداردهای بین‌المللی شامل، افزایش کیفیت و قابلیت مقایسه گزارشگری مالی و صرفه‌جویی در زمان و هزینه و پیامدهای منفی آن که به اعتقاد عده‌ای دلایلی بر رد این هماهنگ‌سازی است شامل استفاده از ارزش منصفانه، شرایط اقتصادی و سیاسی نامشابه و عدم حفظ منافع همه گروه‌های ذینفع را مورد بررسی و واکاوی قرار داده‌اند. حاجیها و رجب‌دزی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "بررسی میزان آشنایی با مفاهیم استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مدرسان حسابداری" دریافتند که از دیدگاه مدرسان حسابداری، دو مقوله عوامل اصلی و عوامل فرعی در سطح اهمیت بالاتر از متوسط قرار داشته و بین اولویت پاسخ‌دهندگان از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، بر اساس اولویت تعیین شده مولفه "اطلاع از اصول حسابداری" از عوامل اصلی و مولفه "آشنایی با ساختار صورت‌های مالی" از عوامل فرعی دارای بیشترین میزان اهمیت است و در جهت گسترش آموزش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باید به آن‌ها توجه ویژه شود.

در این زمینه، پژوهش‌های خارجی مرتبط نیز به وفور یافت می‌شود. برای نمونه دیپ و همکاران (۱۹۹۰) در پژوهشی برنامه ارزیابی آموزشی را مورد نقد قرار دادند و ادعا کردند که یک برنامه آموزشی باید مجموعه وسیع‌تری از نتایج را مورد توجه قرار دهد، که از آن جمله می‌توان به یافته‌های مرتبط با رشد حرفه‌ای، مهارت‌های میان فردی، و مهارت‌های ارتباطی اشاره نمود. تساکومیس (۲۰۰۹)، به نقل از حجازی و همکاران، (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی با عنوان "استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی" دریافت که تفاوت‌های فرهنگی باعث می‌شود حسابداران کشورهای مختلف استانداردهای حسابداری را به گونه

متفاوت تفسیر کنند. درز (۲۰۱۲) در بررسی پذیرش کامل یا منطبق شده استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی با استانداردهای حسابداری چین به این نتیجه دست یافت که چین در اصلاحات حسابداری، از جمله همگرایی با استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی به میزان قابل توجهی با عوامل داخلی و خارجی در ارتباط است. همچنین، این مطالعه پیشنهاد می‌کند که چین باید استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی مبتنی بر حسابداری داخلی خود را ادامه داده و در مواردی که نیاز است، استانداردها همگرایی بیشتری با استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی داشته باشند. الزبان (۲۰۱۶) در پژوهشی دریافت که عوامل نگرش استاد، اندازه بخش حسابداری، شیوه آموزش، نوع موسسه، تجربه آموزش و محتوای آموزشی در انتقال مفاهیم استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی به دانشجویان موثر است. لی و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند که ابعاد مهم کیفیت حسابداری پس از پذیرش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی بهبود یافته است. همچنین، این موضوع در پیش‌بینی درآمد آینده و جریان‌های نقدی نیز موثر بوده است.

اگرچه پژوهش‌های موثری در این زمینه در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است، اما در ایران پژوهشی که به بررسی اولویت و اهمیت عوامل مرتبط با گسترش آموزش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی باشد، مشاهده نشد. لذا ضروری است که این موضوع مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان با استفاده از یافته‌های آن مسیر توسعه و ترویج استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی را در مجموعه‌های آموزشی و حرفه‌ای هموار نمود.

۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری ارائه شده می‌توان فرضیه‌های پژوهش را به صورت زیر متصور بود:

فرضیه اول: بین نگرش مدرسان و زمان صرف شده برای آموزش استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی در طول ترم، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین اندازه موسسه و زمان صرف شده برای آموزش استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی در طول ترم، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین بار تدریس و زمان صرف شده برای آموزش استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی در طول ترم، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین نوع موسسه و زمان صرف شده برای آموزش استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی در طول ترم، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین تجربه مدرسان و زمان صرف شده برای آموزش استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی در طول ترم، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ششم: بین کیفیت منابع آموزشی و زمان صرف شده برای آموزش استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی در طول ترم، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه هفتم: بین کیفیت منابع آموزشی و زمان صرف شده برای آموزش استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی در طول ترم، رابطه معناداری وجود دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

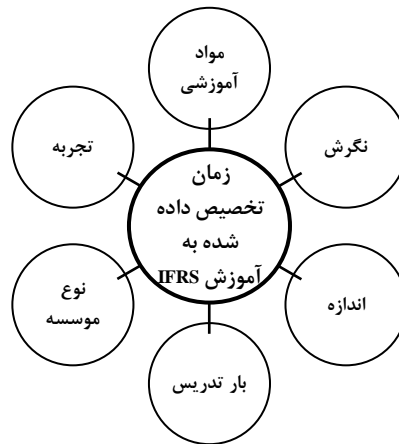
پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از حیث گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی است. همچنین، روش‌های گردآوری اطلاعات اولیه در این پژوهش ترکیبی از روش‌های تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی است. در روش کتابخانه‌ای از طریق مطالعه، ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش، چارچوبی مناسب برای موضوع فراهم و در روش میدانی، از طریق ابزار پرسشنامه و مصاحبه، اطلاعات مورد نیاز برای بررسی موضوع در سال ۱۳۹۶ گردآوری شد.

استفاده از پرسشنامه پژوهش پس از تایید صاحب‌نظران مختلف و تطبیق آن با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور بوده است. بدین معنا که روایی آن مورد تایید قرار گرفت. برای بررسی موضوع نیز از رگرسیون حداقل مربعات معمولی و شیوه مقطعی در نرم‌افزار Eviews نسخه ۹ استفاده شد. همچنین، برای سنجش موضوع از الگوی زبان

(۲۰۱۶) استفاده شد. الگوی پژوهش در نگاره ۱ نشان داده شده است. جامعه پژوهش مورد نظر کلیه فعالان حرفه‌ای و دانشگاهی حسابداری و سایر رشته‌های وابسته (حسابرسی، حسابداری مدیریت، حسابدار مالی، حسابدار مالیاتی و ...) است. با توجه به اینکه دسترسی به کل افراد ذکر شده با پراکندگی‌های مختلف، سخت و تا حدودی غیرممکن است و آمار رسمی از تعداد آن‌ها نیز وجود ندارد، تعداد جامعه آماری نامشخص فرض شد. بنابراین، برای محاسبه حجم نمونه در جامعه نامشخص از رابطه ۳ استفاده شد. همچنین، انحراف معیار داده‌های طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای بر اساس رابطه ۲ برابر با ۰/۶۶۷ است (مومنی و فعال-قیومی، ۱۳۸۹). با توجه به رابطه ۳ نیز حجم نمونه حدود ۱۷۰ نفر به دست می‌آید.

جمع‌آوری اطلاعات مربوط، به دو شیوه حضوری و مجازی صورت گرفت. در شیوه حضوری با مراجعه به استادان دانشگاه، دانشجویان و فعالان حسابداری در دسترس ۲۴ پرسشنامه تکمیل شد که همه آن‌ها قابل استفاده بود. در شیوه مجازی نیز پس از طراحی پرسشنامه در محیط فرم‌نگار گوگل^۷، دعوت‌نامه تکمیل و برای افراد ذکر شده ارسال و همچنین، از آن‌ها درخواست شد تا جهت پاسخگویی دقیق‌تر آن را به سایر استادان، دانشجویان و فعالان حرفه‌ای حسابداری ارسال نمایند که در این شیوه نیز پس از دو مرحله ارسال درخواست، ۱۰۲ پرسشنامه قابل استفاده دریافت شد و لذا در مجموع تعداد ۱۲۶ پرسشنامه جمع‌آوری گردید.

جمع‌آوری نظرها به دو شیوه حضوری و مجازی صورت گرفت. در شیوه حضوری با مراجعه به استادان و حسابرسان داخلی، پرسشنامه‌ها تکمیل شد. در شیوه مجازی نیز پس از طراحی پرسشنامه در محیط فرم‌نگار گوگل^۸، دعوت‌نامه تکمیل و پرسشنامه برای استادان و مدرسان دانشگاهی ارسال شد.



نگاره ۱- الگوی موارد موثر در تخصیص زمان آموزش IFRS

(الزبان، ۲۰۱۶)

الگوی بررسی پژوهش به صورت رابطه ۱ خواهد بود:

$$\delta = \frac{\max(x_i) - \min(x_i)}{e} = \frac{5-1}{6} = 0.667$$

رابطه ۲

$$\text{TIME} = b_0 + b_1 \text{ ATTITUDE} + b_2 \text{ SIZE} + b_3 \text{ LOAD} + b_4 \text{ TYPE} + b_5 \text{ EXPERIENCE} + b_6 \text{ MATERIALS} + e_i$$

رابطه ۱

رابطه ۳

$$n = \frac{z^2 \cdot \delta^2}{\epsilon^2} = \frac{(1.96)^2 \cdot (0.667)^2}{(0.1)^2} = 170$$

که در آن:

TIME: میزان زمان اختصاص داده شده به استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی.

ATTITUDE: نگرش نسبت به استانداردهای

گزارشگری مالی بین‌المللی در برنامه درسی، که با (۰) عدم موثر بودن آموزش، (۱) بدون نظر و (۲) موثر بودن آموزش بررسی شده است.

SIZE: تعداد اعضای هیئت علمی در بخش

حسابداری، که با رقم تعداد اعضا بیان شده است.

LOAD: بار تدریس، که با تعداد ساعات‌های تدریس

مدرسان در هفته مشخص می‌شود،

TYPE: نوع موسسه آموزشی، که به دانشگاه‌های

دولتی (۱) و به دانشگاه‌های غیردولتی (۲) اختصاص داده شده است،

EXPERIENCE: میزان سال تجربه مدرسان،

MATERIALS: کیفیت و در دسترس بودن منابع

آموزشی استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، که

با (۰) عدم دسترسی، (۱) دسترسی و (۲) دسترسی کامل بررسی شده است.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

پاسخ دهندگان، ۳۲ نفر زن و ۹۴ نفر مرد بوده‌اند. همچنین، میانگین سن آن‌ها ۴۰/۱۵ با انحراف معیار ۶/۳۷ و میانگین سابقه کار آن‌ها ۱۰/۰۳ با انحراف معیار ۴/۷۹ بود.

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، در میان متغیرهای مستقل، بیشترین میانگین مربوط به متغیر تجربه مدرسان است که برابر با ۱۰/۰۳ است و این نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. همچنین، پارامترهای پراکندگی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها با یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است که از جمله مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار می‌باشد. بیشترین مقدار این پارامتر در میان متغیرهای مستقل، مربوط به متغیر تجربه مدرسان است که برابر با ۴/۷۹ می‌باشد.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
زمان اختصاص داده شده	۱۰/۵	۸/۳	۲۵	۰	۹/۹۸
نگرش نسبت به استاندارد بین‌المللی	۱/۹۷	۲	۳	۱	۰/۷۴
اندازه	۹/۴۳	۹	۱۶	۶	۲/۷۲
بار تدریس	۷/۳	۸	۱۲	۳	۳/۰۶
نوع موسسه آموزشی	۰/۶۱	۱	۱	۰	۰/۴۹
تجربه مدرسان	۱۰/۰۳	۹	۲۱	۳	۴/۷۹
کیفیت منابع آموزشی	۰/۵۷	۱	۱	۰	۰/۵

بررسی نرمال بودن داده‌ها

قبل از آزمون فرضیه‌ها باید نرمال بودن متغیر وابسته مورد آزمون قرار گیرد، زیرا توزیع غیرنرمال این متغیر منجر به تخطی از مفروضات این روش برای تخمین پارامترها می‌شود. لذا لازم است نرمال بودن توزیع متغیر وابسته مورد آزمون قرار گیرد. در این مطالعه این موضوع از طریق آماره جارکو- برا مورد بررسی شده است. از آنجا که احتمال آماره کمتر از ۵٪ است، فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر مربوطه رد می‌شود و در ادامه برای نرمال‌سازی داده‌ها از تابع باکس-

کاکس و تابع انتقال جانسون بهره گرفته شد. یافته‌های حاصل از آزمون جارکو- برا قبل و بعد از فرآیند نرمال‌سازی داده‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

ماتریس همبستگی

برای بررسی روابط بین هر یک از متغیرهای پژوهش با یکدیگر، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول ۳، همبستگی پیرسون را بین متغیرهای مورد استفاده در آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۲- یافته‌های حاصل از آزمون جارکو- برا

سطح معناداری	آماره	متغیر وابسته
۰/۰۰۳	۲/۰۰۸	MFE (Befor)
۰/۸۴۳	۰/۶۱۵	MFE (After)

جدول ۳- یافته‌های مربوط به همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	زمان اختصاصی	نگرش نسبت به استاندارد بین‌المللی	تعداد اعضای هیئت علمی	تعداد ساعات تدریس مدرسان	نوع موسسه آموزشی	تجربه مدرسان	کیفیت منابع آموزشی
زمان اختصاص داده شده	۱						
نگرش نسبت به استاندارد بین‌المللی	۰/۰۸۲	۱					
تعداد اعضای هیئت علمی	۰/۰۸۱	-۰/۰۸۸	۱				
تعداد ساعات تدریس مدرسان	۰/۱۲۳	-۰/۰۷۹	۰/۰۳۱	۱			
نوع موسسه آموزشی	۰/۰۰۸	۰/۰۸۲	۰/۰۶۱	۰/۱۸۴	۱		
تجربه مدرسان	۰/۰۸۸	۰/۰۶۱	-۰/۱۵۲	۰/۰۷۳	-۰/۰۷۵	۱	
کیفیت منابع آموزشی	۰/۰۸۲	۰/۱۵۱	-۰/۰۵۵	۰/۲۰۹	۰/۰۲۵	۰/۰۲۹	۱

بین المللی مشاهده شد، که میزان همبستگی متغیرهای مزبور، به ترتیب ۰/۱۲۳ و ۰/۰۰۸ است.

آزمون فرضیه‌ها

به منظور آزمون فرضیه‌ها، در هریک از فرضیه‌های مربوط، متغیرهای مستقل (نگرش نسبت به استاندارد گزارشگری بین‌المللی، تعداد اعضای هیئت علمی، تعداد ساعات تدریس مدرسان، نوع موسسه آموزشی، تجربه مدرسان، کیفیت منابع آموزشی) به همراه متغیر وابسته (زمان تخصیصی به استانداردهای گزارشگری بین‌المللی) مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۴ یافته‌های آزمون فرضیه‌ها را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در رابطه با همبستگی بین متغیرهای مستقل (نگرش نسبت به استاندارد گزارشگری بین‌المللی، تعداد اعضای هیئت علمی، تعداد ساعات تدریس مدرسان، نوع موسسه آموزشی، تجربه مدرسان، کیفیت منابع آموزشی) و وابسته (زمان تخصیصی به استاندارد گزارشگری بین‌المللی) بیشترین میزان همبستگی بین تعداد ساعات تدریس مدرسان و زمان تخصیصی به استاندارد گزارشگری بین‌المللی و کمترین آن بین نوع موسسه آموزشی و زمان تخصیصی به استاندارد گزارشگری

جدول ۴- یافته‌های تخمین الگوهای رگرسیون مربوط به آزمون فرضیه‌ها

متغیرها	آماره t	معناداری	آماره VIF
نگرش نسبت به استاندارد بین‌المللی	۳/۹۵۶۳	۰/۰۰۰۰	۱/۲۳۷
مقدار ثابت	۳/۱۲۳۷	۰/۰۰۴۵	---
ضریب تعیین	۰/۵۶۲	آماره F	۱۴/۵۳۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۳۸	معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰
دوربین- واتسون	۲/۰۴۸		
تعداد اعضای هیئت علمی	۹/۳۵۷۱	۰/۰۰۰۰	۱/۱۲۶
مقدار ثابت	۳/۳۴۳۵	۰/۰۰۶۵	---
ضریب تعیین	۰/۵۴۳	آماره F	۱۴/۳۴۶
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۱۶	معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰
دوربین- واتسون	۱/۸۳۳		
تعداد ساعات تدریس مدرسان	۱/۳۶۷۵	۰/۱۷۶۴	۱/۲۳۷۶
مقدار ثابت	۲/۶۷۸۲	۰/۰۱۳۶	---
ضریب تعیین	۰/۵۸۴	آماره F	۱۴/۴۴۶
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۵۶	معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰
دوربین- واتسون	۱/۹۴۵		
نوع موسسه آموزشی	۲/۵۶۸۵	۰/۲۱۴۷	۱/۳۵۶
مقدار ثابت	۴/۳۵۷	۰/۰۱۴۷	---
ضریب تعیین	۰/۵۴۲	آماره F	۱۱/۳۶۵
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۱۳	معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰
دوربین- واتسون	۱/۵۶۸		
تجربه مدرسان	۳/۵۰۶۳	۰/۰۰۰۰	۱/۲۲۷
مقدار ثابت	۳/۳۶۴۲	۰/۰۰۲۷	---
ضریب تعیین	۰/۶۲۳	آماره F	۱۴/۴۶۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۹۲	معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰
دوربین- واتسون	۱/۶۲۹		
کیفیت منابع آموزشی	۳/۳۴۶۴	۰/۰۰۳۹	۱/۰۸۱
مقدار ثابت	۲/۳۶۸۷	۰/۰۱۳۴	---
ضریب تعیین	۰/۶۰۲	آماره F	۱۳/۶۴۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۷۱	معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰
دوربین- واتسون	۱/۹۵۶		

آنان اثرگذار بوده و در تبیین زمان اختصاص داده شده به آموزش، موثر خواهد بود. در مقابل، در صورت وجود نگرش منفی، این نوع نگرش کارایی آموزش را می‌کاهد. عامل نهایی نیز تعداد اعضای هیئت علمی است. این مورد را نیز می‌توان بدین صورت بیان داشت که با افزایش تعداد اعضای هیئت علمی، به گونه طبیعی دانشگاه از محیط، اندازه و امکانات و تجهیزات بیشتری برخوردار بوده و با همفکری و تشریک مساعی بین مدرسان، کیفیت آموزش افزایش یافته و استفاده بهتری از زمان تدریس صورت خواهد پذیرفت. افزون بر آن، یافته‌های حاصل از بررسی خود همبستگی جملات خطا با استفاده از آماره دوربین-واتسون نیز، با توجه به این که عدد مربوط به دوربین-واتسون در همه مدل‌های مورد بررسی بین ۱/۵ تا ۲/۵ است، نشان‌گر عدم وجود خطاهای خودهمبستگی در مدل‌های مورد بررسی است.

۶- نتیجه‌گیری و بحث

هدف این پژوهش بررسی تاثیر عوامل الگوی الزبان (۲۰۱۶) در تخصیص زمان به آموزش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی از نظر مدرسان دانشگاهی بود. با توجه به یافته‌های حاصل از بررسی آماره T در جدول شماره ۴، ملاحظه می‌شود که سطح معناداری آماره مربوط به متغیرهای مستقل (نگرش نسبت به استاندارد گزارشگری بین‌المللی، تعداد اعضای هیئت علمی، تجربه مدرسان و کیفیت منابع آموزشی) کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، فرضیه‌های ۱، ۲، ۵ و ۶ مبنی بر وجود رابطه معنادار بین نگرش نسبت به استاندارد گزارشگری بین‌المللی، تعداد اعضای هیئت علمی، تجربه مدرسان و کیفیت منابع آموزشی با زمان تخصیصی به آموزش استاندارد گزارشگری بین‌المللی پذیرفته می‌شود. یافته‌های این بخش از پژوهش در فرضیه‌های ۱، ۲ و ۶ مطابق با یافته‌های الزبان (۲۰۱۶) و در فرضیه ۵ بر خلاف آن است. همچنین، یافته‌های فرضیه‌های فرعی ۳ و ۴ بیانگر وجود رابطه معنادار بین تعداد ساعات تدریس مدرسان و نوع موسسه آموزشی با زمان تخصیصی به آموزش

بررسی موارد مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که معناداری عامل‌های نگرش نسبت به استاندارد گزارشگری بین‌المللی، تعداد اعضای هیئت علمی، تجربه مدرسان و کیفیت منابع آموزشی کمتر از ۵ درصد بوده و لذا تاثیر موارد ذکر شده در تخصیص زمان به آموزش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی مورد تایید قرار گرفته است، اما معناداری ساعت تدریس مدرسان و نوع موسسه آموزشی بیشتر از ۵ درصد بوده و لذا تاثیر این عوامل در آموزش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی مورد تایید قرار نمی‌گیرد. همچنین، بررسی ضریب تعیین تعدیل شده موارد تایید شده مورد بررسی نشان می‌دهد که به ترتیب عوامل تجربه مدرسان، کیفیت منابع آموزشی، تعداد ساعات تدریس مدرسان، نگرش نسبت به استاندارد بین‌المللی و تعداد اعضای هیئت علمی، دارای بیشترین میزان اهمیت در تخصیص زمان به آموزش استانداردهای گزارشگری بین‌المللی هستند. می‌توان دریافت که تجربه مدرسان در این زمینه مهم-ترین عامل است و با افزایش مهارت و تجربه مدرسان، مدیریت زمان بهتری صورت گرفته و استفاده بهتری از زمان کلاس توسط مدرسان صورت می‌گیرد. پس از آن نیز کیفیت منابع آموزشی نقش تعیین کننده دارد. در این مورد نیز می‌توان بیان داشت که با بهبود کیفیت منابع آموزشی و وجود منابع آموزشی مفید، کارا و موثر، مدرسان از سردرگمی خارج شده و استفاده بهتری از زمان آموزش خواهند داشت. البته این موضوع می‌تواند سایر موارد را تحت تاثیر قرار دهد و بدون وجود منابع آموزشی مناسب، سایر مراحل آموزش نیز کارایی لازم را نخواهند داشت. تعداد ساعت تدریس مدرسان نیز عامل بعدی است که با افزایش آن، تسلط و مهارت بیشتری در مدرسان به وجود خواهد آمد و توانایی تشریح و بسط موثرتری را به مدرسان عطا می‌کند. در رابطه با نگرش نسبت به استاندارد بین‌المللی نیز می‌توان بیان داشت در صورتی که مدرسین نگرش و دیدگاه مثبتی نسبت به اثربخشی و تاثیر آموزش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی داشته باشند، در شیوه بیان و تدریس

کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز، تهران، همایشگران مهر اشراق.

* آقاسی، سحر. (۱۳۹۴). بررسی موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی IFRS از سوی سازمان امور مالیاتی و ارائه راهکارهای لازم، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و سامانه‌های مالی، دب، شرکت پندار اندیش رهپو.

* باغومیان، رافیک و علی رحیمی‌باغی. (۱۳۹۱). موانع پیشرفت آموزش حسابداری در ایران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۰، شماره ۳۵، پاییز، صص ۶۹-۹۱.

* حاجیها، زهره و حسین رجب‌دُری. (۱۳۹۶). بررسی میزان آشنایی با مفاهیم استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مدرسان حسابداری. پژوهش حسابداری، پذیرفته شده جهت انتشار در شماره تابستان ۱۳۹۶.

* حجازی، رضوان و غلامرضا سلیمانی و مریم امیدی. (۱۳۹۲). اثرات پذیرش استانداردهای حسابداری بین‌المللی در بعد اقتصادی بر محیط ایران. مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره پنجم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۸۷-۱۱۱.

* رحمانی، علی و شراره علی‌پور. (۱۳۹۰). دیدگاه جامعه حسابداری ایران در مورد پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری، مجله حسابدار رسمی، شماره ۱۴، صص ۵۶-۶۱.

* سجادی، حسین و محمد عربی. (۱۳۹۱). تاثیر به کارگیری استانداردهای حسابداری بین‌المللی بر کیفیت حسابداری، حسابدار رسمی، شماره ۱۷، صص ۸۷-۹۱.

* فروغی، داریوش و مجید اشرفی. (۱۳۸۸). استانداردهای جهانی حسابداری چالش‌ها و فرصت‌ها، مجله حسابدار رسمی، شماره ۸، صص ۹۶-۱۰۳.

استاندارد گزارشگری بین‌المللی را نمی‌توان پذیرفت. یافته‌های این بخش از پژوهش نیز در فرضیه ۳ همسو با الزبان (۲۰۱۶) و در فرضیه ۴ بر خلاف آن است. نکته آخر نیز آن است که در کنار لزوم اهمیت و طی مسیر گسترش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی لازم است که به معایب آن از جمله ارزش منصفانه، بازارهای کوچک و متوسط و چارچوب‌های حقوقی نیز توجه شود.

یافته اصلی این پژوهش که دال بر اهمیت و توجه بیشتر به استانداردهای گزارشگری بین‌المللی و ضرورت توجه بیشتر به آن در محیط‌های برنامه‌ریزی و آموزشی است نیز با یافته‌های فروغی و اشرفی (۱۳۸۸)، رحمانی و علی‌پور (۱۳۹۰)، حجازی و همکاران (۱۳۹۲)، ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۵)، حاجیها و رجب‌دُری (۱۳۹۶) و درز (۲۰۱۲) همسو است.

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی است که برای نمونه، به محدودیت‌های استفاده از پرسشنامه می‌توان اشاره کرد. به برنامه‌ریزان دانشگاهی و قانون‌گذاران نیز توصیه می‌شود که برای حفظ پویایی حرفه به این موضوع توجه نموده و آن را در برنامه‌ریزی‌های خود و به ویژه برنامه درسی دانشجویان لحاظ نمایند. به برنامه‌ریزان امور درسی در سطح کلان مانند وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز توصیه می‌شود تا ضمن توجه بیشتر به استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی در برنامه‌های درسی طراحی شده به ترتیب عوامل موثر مشاهده شده در این پژوهش نیز توجه نمایند. به سایر پژوهشگران نیز پیشنهاد می‌شود که پژوهش در زمینه گزارشگری مالی بین‌المللی و به ویژه تهیه منابع درسی مناسب آن بپردازند.

فهرست منابع

* ابراهیم‌پور، مجتبی و اسفندیار ملکیان کله‌بستی و میثم طالب‌تبار آهنگر. (۱۳۹۵). پیامدهای استفاده از استانداردهای بین‌المللی حسابداری در توسعه و بهبود ارائه گزارش‌های مالی در ایران. پنجمین

- Predicting Future Earnings and Cash Flows (April 7, 2017). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2948775>.
- * Libby, P. (1991). Barriers to using cases in accounting education. *Issues in Accounting Education*, 6 (2), 193–213.
 - * Munter, P., and Reckers, P. (2009). IFRS and collegiate accounting curricula in the United States: 2008 a survey of the current state of education conducted by KPMG and the Education Committee of the American Accounting Association. *Issues in Accounting Education*, 24 (2) 131–139.
 - * Rezaee, Z., Smith, L., and Szendi, J. (2010). Convergence in accounting standards: Insights from academicians and practitioners. *Advances in Accounting*, 26(1), 142-154.
 - * Stefano, C., and Gasse, J. (2010). Mandatory IFRS adoption and accounting comparability, Working paper, London School of Economics
 - * Zhu, H., Rich, K., Michenzi, A., and Cherubini, J. (2011). User-oriented IFRS education in introductory accounting at U.S. academic institutions: current status and influencing factors. *Issues in Accounting Education*, 26(4), 725-750.
 - * مؤمنی، منصور و علی فعال‌قیومی. (۱۳۸۹). تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS، چاپ دوم، تهران: انتشارات کتاب‌نو.
 - * Achleitner, A. (2005). *International – Accounting – Standards : Ein Lehrbuch Zur internationalen Rechnungslegung*; Franz Vahlen GmbH; Munchen; 2. Auflage.
 - * Alvarez, M., Keller, H., Shircliffe, B., and Zalaquett, C. (2009). Examining efforts to infuse diversity within one college of education. *Journal of Diversity in Higher Education*, 2(3), 127–135.
 - * Alzeban, A. (2016). Factors influencing adoption of the international financial reporting standards (IFRS) in accounting education, *Journal of International Education in Business*, Vol. 9 Iss 1. Pp. 2-16.
 - * Ball, R. (2006). IFRS: Pros and Cons for Investors, *Accounting & Business Research*, 33 ,International Accounting Policy Forum
 - * Bonk, C. J. and Smith, G. S. (1998). Alternative Instructional Strategies for Creative and Critical Thinking in the Accounting Curriculum. *Journal of Accounting Education*, Vol. 16, No 2, pp. 261-293
 - * Cohen, J. R., Pant, L., and Sharp, D. (1991). An empirical investigation of attitudinal factors affecting educational course coverage of international topics. *International Journal of Accounting*, 26 (4), 286–301.
 - * Deppe, L., Sonderegger, E., Stice, J., Clark, D., and Streuling, G. (1991). Emerging competencies for the practice of accountancy. *Journal of Accounting Education*, No. 9, pp. 257-290.
 - * Dow, K., and Feldmann, D. (1997). Current approaches to teaching intermediate accounting. *Issues in Accounting Education*, 12(1), 61–75.
 - * Draz, M. (2012). IFRS or IFRS-based domestic standards: Implications for China's future accounting system. Retrieved from <http://papers.ssrn.com/abstract=2134519>.
 - * Groomer, S., and Murthy, U. (1996). An empirical analysis of the accounting information systems course. *Journal of Information Systems*, 10(2), 103–127.
 - * Kroll, K. (2009). Is it U.S. GAAP or IFRS at U.S. universities? *Financial Executive*, 25(5), 52- 55.
 - * Li, S., Sougiannis, T., and Wang, I. (2017). Mandatory IFRS Adoption and the Usefulness of Accounting Information in

یادداشت‌ها

- ¹ Attitude
- ² Size
- ³ Load
- ⁴ Type
- ⁵ Experience
- ⁶ Materials
- ⁷ Google Forms
- ⁸ Google Forms